



Environment, Geographical Space, and Sustainability: The Geographer's Mission in a Politicized World

Iraj Jabbari^{1, 2}

1. Corresponding author, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: iraj.jabbari@razi.ac.ir
2. Department of Geography and Environmental Sustainability, Environmental Research Center, Razi University, Kermanshah, Iran.

Article Info

Article type:

Editorial Paper

Article history:

Received: 22 Aug 2025

Received in revised form:
25 Aug 2025

Accepted: 26 Aug 2025

Available online: 23 Sep
2025

Keywords:

Geography,
Environment,
Geographical space,
Environmental sustainability,
Politicization,
Committed geographer.

ABSTRACT

The environment, as the foundation of both human and non-human life, encompasses three main dimensions: physical, ecological, and socio-economic. Geography, by conceptualizing the environment as “geographical space,” analyzes the spatial relationships between natural and human elements and offers pathways for sustainable management. Environmental sustainability emphasizes the balance among economic growth, social welfare, and ecological protection. However, the experience of many developing countries, including Iran, demonstrates that politicization and weak governance hinder these goals and have led to severe environmental crises. This editorial underscores that the contemporary mission of geographers extends beyond producing environmental knowledge; a committed geographer must critically examine the dependency of social and environmental systems on political structures and steer research toward evidence-based decision-making, community participation, and integrated analysis of environmental interactions. The future of sustainability depends on fulfilling this scientific and social responsibility.

Cite this article: Jabbari, I. (2025). Environment, Geographical Space, and Sustainability: The Geographer's Mission in a Politicized World. *Geography and Environmental Sustainability*, 15(3), 1-6. <https://doi.org/10.22126/GES.2025.12676.2906>



© The Author (s).

DOI: <https://doi.org/10.22126/GES.2025.12676.2906>

Publisher: Razi University

محیط، فضای جغرافیایی و پایداری: رسالت جغرافیدان در جهان سیاست زده

ایرج جباری^{۱،۲}

۱. نویسنده مسئول، استاد گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: iraj.jabbari@razi.ac.ir
 ۲. مدیر گروه جغرافیا و پایداری محیط، مرکز تحقیقات محیط زیست، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
محیط به عنوان بستر زندگی انسان و سایر موجودات، در سه بُعد فیزیکی، زیستی و اجتماعی-اقتصادی، موضوع اصلی مطالعه جغرافیاست. جغرافیا با تبدیل محیط به «فضای جغرافیایی»، روابط میان عناصر طبیعی و انسانی را تحلیل کرده و راهکارهایی برای مدیریت پایدار ارائه می‌دهد. پایداری محیط، بر تعادل میان رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی و حفاظت زیست‌محیطی تأکید دارد، اما تجربه کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، نشان داده است که سیاست‌زدگی و ضعف مدیریتی مانع تحقق این اهداف شده و بحران‌های گسترده‌ای را رقم زده است. این مقاله بر این نکته تأکید دارد که رسالت امروز جغرافیدان فراتر از تولید دانش محیطی است؛ جغرافیدان متعهد، باید با نگاه انتقادی نسبت به وابستگی نظام‌های اجتماعی و محیطی به سیاست، پژوهش‌های خود را به سمت تصمیم‌سازی مبتنی بر داده‌های واقعی، مشارکت جوامع محلی و تحلیل جامع تعاملات محیطی هدایت کند. آینده پایداری محیط در گرو ایفای این رسالت علمی و اجتماعی است.	نوع مقاله: سرمقاله تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ دسترسی آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ کلیدواژه‌ها: جغرافیا، محیط، فضای جغرافیایی، پایداری محیط، سیاست‌زدگی، جغرافیدان متعهد.

استناد: جباری، ایرج (۱۴۰۴). محیط، فضای جغرافیایی و پایداری: رسالت جغرافیدان در جهان سیاست‌زده. *جغرافیا و پایداری محیط*، ۱۵ (۳)، ۱-۶.
<https://doi.org/10.22126/GES.2025.12676.2906>

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان.
 DOI: <https://doi.org/10.22126/GES.2025.12676.2906>



مقدمه

محیط زیست و پایداری آن امروز از مهم ترین دغدغه های جامعه علمی و انسانی است. تغییرات اقلیمی، بحران آب، نابودی تنوع زیستی و آلودگی گسترده محیطی، همگی نشانه هایی هستند از اینکه تعامل انسان با محیط در مسیر ناپایداری حرکت می کند. جغرافیا به عنوان علمی که محیط و فضای جغرافیایی را موضوع اصلی مطالعه خود قرار می دهد، جایگاهی کلیدی در درک و حل این مسائل دارد. اما پرسش بنیادین این است که چرا باوجود گسترش پژوهش های جغرافیایی و محیطی، مشکلات همچنان پابرجاست؟ پاسخ را باید در پیوند ناگسستنی علم و سیاست جست و جو کرد.

محیط و فضای جغرافیایی

محیط زیست مجموعه ای پویا و پیچیده از عناصر فیزیکی، زیستی و اجتماعی - اقتصادی است که در تعامل مداوم با یکدیگر، شرایط حیات انسان و سایر موجودات زنده را شکل می دهند. بخش فیزیکی محیط شامل اقلیم، منابع طبیعی، توپوگرافی و دیگر ویژگی های زمین شناختی است؛ بخش زیستی دربرگیرنده گیاهان، جانوران، میکروارگانیسم ها و شبکه های اکوسیستمی؛ و بخش اجتماعی - اقتصادی نیز شامل فعالیت های انسانی، فرهنگ، سیاست و ساختارهای جمعیتی می شود. این اجزا به گونه ای در هم تنیده اند که تغییر در هر یک می تواند کل نظام محیطی را تحت تأثیر قرار دهد.

جغرافیا با تمرکز بر مفهوم «فضای جغرافیایی» می کوشد روابط میان این عناصر را در بستر مکان و زمان تحلیل کرده و الگوهای پویای محیط را شناسایی کند. رویکرد فضایی به محیط به جغرافی دانان این امکان را می دهد که ابعاد طبیعی و انسانی را به طور هم زمان بررسی کنند، تأثیر فعالیت های انسانی بر اکوسیستم ها را بسنجند و راهکارهایی عملی برای مدیریت پایدار منابع ارائه دهند. به عنوان نمونه، در مورد رودخانه ها موضوعاتی همچون نقش آن ها در سازمان فضایی شهرها و کیفیت فضاهای شهری، ارزیابی ریسک سیل، کارکردهای ژئومورفولوژیک، جایگاه آن ها در شبکه های حمل و نقل، میزان آسیب پذیری کاربری اراضی و اهمیت راهبردی آن ها - به ویژه در شرایط جابه جایی بستر رودخانه - توسط شاخه های مختلف جغرافیا مورد مطالعه قرار می گیرد. با تجزیه و تحلیل این نقش ها و ارزیابی اهمیت آن ها، و از طریق تصمیم گیری درباره مناسب ترین نوع کاربری زمین، مفهومی چون «آمایش سرزمین» (برنامه ریزی فضایی) شکل می گیرد (Rocco et al., 2022) که پیوندی ناگسستنی با پایداری محیط زیست دارد.

پایداری محیط

پایداری محیط زیست به معنای بهره برداری مسئولانه از منابع طبیعی و صیانت از اکوسیستم ها به منظور تأمین نیازهای نسل حاضر، بدون به مخاطره انداختن توانایی نسل های آینده در تأمین نیازهای خویش است. این مفهوم بر ایجاد تعادل میان رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست تأکید داشته و اساساً با ایده «توسعه پایدار» پیوند خورده است. خاستگاه این ایده را می توان در رویکردهای مدیریت پایدار منابع طبیعی در اروپا طی قرون هفدهم و هجدهم جست و جو کرد؛ زمانی که ضرورت جلوگیری از بهره برداری بیش از حد از جنگل ها و حفاظت از منابع طبیعی مطرح شد. با این حال، در دهه های بعد و هم زمان با افزایش نگرانی ها نسبت به تخریب محیط زیست، کاهش منابع طبیعی، رشد جمعیت و گسترش نابرابری های اجتماعی، نیاز به الگویی نوین برای توسعه آشکار گردید؛ الگویی که بر اساس آن، توسعه اقتصادی باید هم زمان با حفاظت محیط زیست و تحقق عدالت اجتماعی پیش رود تا رفاه پایدار و بلندمدت جوامع انسانی تضمین شود (Redclift, 2005).

تجارب کشورهای پیشرفته ای همچون سوئد، دانمارک، فنلاند و آلمان نشان می دهد که سیاست گذاری آینده نگرانه و مبتنی بر شواهد علمی، همراه با سرمایه گذاری در حوزه هایی چون انرژی های تجدیدپذیر، مدیریت پسماند، کاهش انتشار کربن و حفاظت از منابع آب و خاک، منجر به دستاوردهای چشمگیر در حوزه توسعه پایدار شده است. در مقابل، بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل سیاست زدگی، ضعف نهادی، وابستگی شدید نظام های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به تصمیمات کوتاه مدت سیاسی و محدودیت های فناورانه، با بحران های زیست محیطی و الگوهای توسعه ای نامتوازن مواجه اند (UNEP, 2023).

باتوجه به بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی گسترده‌ای که در پهنه ایران رخ داده است، می‌توان نتیجه گرفت که تلاش‌های جغرافی‌دانان و سایر حوزه‌های علمی چندان اثربخش نبوده و سرمایه‌گذاری‌های علمی و پژوهشی در زمینه محیط و پایداری، کارایی مطلوب را نداشته است (Etzkowitz & Leydesdorff, 2000). دلایل این ناکامی را می‌توان در عواملی همچون فقدان هماهنگی در برنامه‌ریزی‌های کلان، چالش‌های اقتصادی و سیاسی، ضعف مدیریت منابع طبیعی، کمبود مشارکت اجتماعی و تأثیر تحریم‌های خارجی جست‌وجو کرد (UNDP, 2016). با این حال، ریشه عمیق‌تر این ناکامی‌ها در عدم استقلال نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از سیاست و وابستگی شدید آن‌ها به تصمیمات کوتاه‌مدت سیاسی نهفته است (Ostrom, 2009).

زمانی که مدیریت محیط و منابع طبیعی تابع منطق سیاست‌های روزمره و مقطعی می‌شود، پژوهش‌های علمی به حاشیه رانده شده و نتایج تحقیقات جغرافیایی در فرایند تصمیم‌گیری جایگاهی نمی‌یابد. در چنین شرایطی، سیاست‌گذاری به‌جای آنکه مبتنی بر داده‌ها و تحلیل‌های علمی باشد، بیشتر در جهت پاسخ‌گویی سریع به بحران‌های کوتاه‌مدت یا تأمین منافع محدود سیاسی شکل می‌گیرد. این امر سبب می‌شود که سرمایه‌گذاری‌های محیطی و برنامه‌های توسعه پایدار به نتیجه مطلوب نرسند و حتی گاه پیامدی معکوس به همراه داشته باشند.

سیاست‌زدگی نه تنها مانع بهره‌گیری از دانش علمی در مدیریت محیط می‌شود، بلکه آینده‌نگری، مشارکت اجتماعی و رویکرد سیستمی به توسعه پایدار را نیز تضعیف می‌کند. در نتیجه، به‌جای حرکت تدریجی و پایدار به‌سوی توسعه‌ای متوازن، کشور در چرخه‌ای از بحران‌های تکرارشونده گرفتار می‌شود؛ بحران‌هایی همچون فرونشست زمین، خشک‌شدن تالاب‌ها و دریاهای، گسترش نابرابری‌های فضایی و آسیب‌پذیری شدید جوامع محلی در برابر تغییرات محیطی. بدین ترتیب، می‌توان گفت که علت بنیادین ناکامی در مسیر پایداری، سیاست‌زدگی ساختارها و غلبه ملاحظات سیاسی بر منطق علمی و زیست‌محیطی است.

رسالت جغرافیدان متعهد

در شرایط عادی، جغرافی‌دان وظیفه دارد با بهره‌گیری از رویکردی میان‌رشته‌ای، روابط پیچیده میان محیط‌های فیزیکی، زیستی و اجتماعی - اقتصادی را تحلیل کرده و در قالب «فضای جغرافیایی»، الگوهای پویای سرزمین را آشکار سازد. او با استفاده از ابزارهایی همچون سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS)، سنجش‌ازدور، آمایش سرزمین و مدل‌های تحلیل محیطی، می‌کوشد راهکارهایی برای مدیریت پایدار منابع طبیعی، حفاظت از اکوسیستم‌ها، برنامه‌ریزی فضایی شهری و روستایی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای ارائه دهد. افزون بر این، جغرافی‌دان در شرایط معمول با ارتقای آگاهی عمومی، جلب مشارکت جوامع محلی و ارائه تحلیل‌های فضایی دقیق به سیاست‌گذاران، نقشی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های ملی و محلی ایفا می‌کند.

با این حال، در جوامعی که همه چیز به سیاست وابسته است و مسیر مدیریت سرزمین نه بر اساس علم بلکه بر پایه منطق سیاسی شکل می‌گیرد، وظایف متعارف جغرافی‌دان کافی نیست (Peet et al., 2011). در چنین شرایطی، رسالت جغرافی‌دان متعهد به طور بنیادین تغییر می‌یابد: او باید فراتر از تولید دانش محیطی حرکت کند و با نگاهی انتقادی به سیاست‌زدگی ساختارها، پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی آن‌ها را آشکار سازد (Castree, 2014). جغرافی‌دان در این وضعیت ناگزیر است استقلال علمی خود را حفظ کرده و به‌عنوان «صدای روشنگر» جامعه عمل نماید؛ به‌گونه‌ای که نتایج پژوهش‌های او نه تنها برای نهادهای رسمی، بلکه برای جوامع محلی و سازمان‌های مدنی نیز الهام‌بخش و قابل استفاده باشد.

نقش جغرافی‌دان متعهد، به‌ویژه در حوزه جغرافیای سیاسی، شامل ارائه تحلیل‌های شفاف از آینده‌های محتمل، افشای پیامدهای سیاست‌های ناپایدار، توانمندسازی جوامع محلی و ایجاد پیوند میان دانش بومی، علوم میان‌رشته‌ای و شبکه‌های جهانی است. بدین ترتیب، جغرافی‌دان تنها یک پژوهشگر محیط نیست، بلکه کنشگری اجتماعی و انتقادی است که در برابر سلطه سیاست بر سرنوشت محیط ایستادگی می‌کند و مسیر دستیابی به پایداری واقعی را ترسیم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

جغرافیا علمی است که محیط را در تمامیت آن می‌بیند و می‌تواند نقشه راهی برای پایداری ارائه دهد. اما تحقق این رسالت بدون نقد سیاست و ساختارهای مدیریتی ممکن نیست. آینده پایداری محیط وابسته به ایفای نقش جغرافی‌دانان به‌عنوان پژوهشگر، منتقد و آگاهی‌بخش است.

References

- Castree, N. (2014). Geography and Critical Environmental Studies. *Progress in Human Geography*, 38(4), 550-569. doi: 10.1177/0309132513518831.
- Etzkowitz, H., & Leydesdorff, L. (2000). The dynamics of innovation: from National Systems and “Mode 2” to a Triple Helix of university–industry–government relations. *Research policy*, 29(2), 109-123. doi: 10.1016/S0048-7333(99)00055-4
- Ostrom, E. (2009). A general framework for analyzing sustainability of social-ecological systems. *Science*, 325(5939), 419-422. <https://doi.org/10.1126/science.1172133>.
- Peet, R., Robbins, P., & Watts, M. (2011). *Global Political Ecology* (2nd ed.). Routledge.
- Redclift, M. (2005). Sustainable development (1987–2005): an oxymoron comes of age. *Sustainable development*, 13(4), 212-227. doi: 10.1002/sd.281
- Rocco, R., Bracken, G., Newton, C., & Dabrowski, M. (Eds.). (2022). *Teaching, Learning & Researching: Spatial Planning*. TU Delft OPEN Publishing.
- United Nations Development Programme (UNDP). (2016). *Human Development Report 2016: Human Development for Everyone*. New York: UNDP. Available at: <http://hdr.undp.org/en/2016-report>
- United Nations Environment Programme (UNEP). (2023). *Global Environment Outlook – GEO-7: Healthy Planet, Healthy People*. Cambridge University Press.